



پیش شماره یکی

سال اول

بهار و تابستان ۱۳۸۲

- مبانی شناختی برنامه ریزی درسی تلفیقی
- بررسی جرم شناختی جرایم مواد مخدر در پرتو سیاست جنایی
- نقد و بررسی قانون مبارزه با مواد مخدر
- جشن های ایران باستان بر پایه گاه شماری
- بررسی مقدماتی غار چشمه ساسان (کازرون)
- مدرنیسم و دین
- تأثیر تجربی بروموکریپتین مسیلات بر رفتارهای جنسی و تغییرات هورمون تستوسترون در موش صحرایی نر بالغ (Rat)
- تعیین نسبت لیگاند به فلز و ثابت پایداری تشکیل کمپلکس فنیل آلانین با نیترات تالیوم
- بررسی استریولوژیک اثر دیابت بر سلول های عقده های نخاعی موش های صحرایی
- پایان نامه های تحصیلات تکمیلی

(پزشکی، دامپزشکی، علوم جانوری)

مبحث اول: جرایم مواد مخدر: در آمدی به جرم تعلیمی در آمدها و

سرمایه های نامشروع

مخبران: دکتر علی مسین نجفی ابرالد آبادی^۱

درآمد

بحث مواد مخدر معضل خاص کشور ما نیست؛ بلکه یک معضل جهانی است. چه در جنبه اعتیاد و چه در بعد قاچاق و چه در جنبه اموال و وجوهاتی که از این راه حاصل می شود. عنوان سیاست جنایی که برای این همایش انتخاب شده به معنای تدبیر و چاره اندیشی راجع به جرم است. وقتی می گوئیم سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، می خواهیم بینیم تدبیر قانونگذار ایران در رابطه با جرایم مواد مخدر چیست؟ در بحث سیاست جنایی دو مطلب مورد توجه ماست. از یک سو، جرایم، چگونگی جرم انگاری و سپس چگونگی مقابله با جرم.

جرایم مواد مخدر همان طور که از معنایش بر می آید شامل جمعی از افعال هستند که در حقیقت در کشت خشخاش... و تولید مواد مخدر ریشه دارند؛ زیرا، تولید مواد مخدر نیاز به عرضه آن دارد و عرضه مواد مخدر مستلزم به خرید و فروش است و این خرید و فروش به نوبه خود نیاز به تسهیلات دولتی و بین المللی دارد. بنابراین ملاحظه می کنیم که با تولید مواد مخدر، جرایم چندی به جریان و ارتکاب می یابد. انسان های چندی از جنبه های مختلف، از قبل این مواد ارتزاق می کنند، مثلا برای کسب لذت بیشتر و یا درآمد های بیشتر.

به همین جهت قاچاق مواد مخدر و به طور کلی جرایم مواد مخدر را جرایم شبکه‌ای اطلاق کرده‌اند؛ زیرا تولید یک جرم است، عرضه آن یک جرم و مصرف آن یک جرم مستقل را تشکیل می‌دهد و از همه مهمتر، تطهیر و پاکسازی در آمدهای ناشی از قاچاق هم یک جرم دیگر محسوب می‌شود. اینها کاملاً به هم مرتبط هستند؛ زیرا همانطوری که می‌دانیم قاچاق مواد مخدر در آمدهای اصطلاحاً نجومی را برای قاچاقچیان فراهم می‌کند. این درآمدها تا بدانجا هنگفت و زیاد است که قاچاقچیان قادرند بودجه چند سال یک دولت را با آن تحت پوشش قرار دهند. به عنوان مثال، در کلمبیا کارتل‌های مدلین و کالی که شبکه سازمان یافته کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر بودند - برای فرار از مجازات و در امان ماندن از تعقیب دولت کلمبیا - حاضر بودند بدهی‌های خارجی دولت کلمبیا را پردازند که رقمی حدود ۶۰ میلیارد دلار بود و از سوی دیگر برای ۶ یا ۷ سال بودجه دولت کلمبیا را تأمین کنند.

کارتل مدلین در جنگل‌های کلمبیا برای خودش آزمایشگاه‌های مواد مخدر داشت؛ فرودگاه کوچک خاص خود داشت؛ یک ارتش کوچک ۲ تا ۳ هزار نفری داشت و غالباً با مبارزان چپ‌گرای کلمبیایی هم که در واقع از نظر دولت کلمبیا تروریست بودند، در ارتباط تنگاتنگ بود؛ بنابراین پول مواد مخدر می‌تواند برای تروریست‌ها یا مبارزان سیاسی یک منبع در آمد باشد.

فراموش نکنیم در جنوب شرقی ایران، امارات اسلامی افغانستان و طالبان این شش سال تا اندازه‌ای به لطف پولهای مواد مخدر ادامه حیات سیاسی دادند. به لطف پولهای حاصله از مواد مخدری که از کشور ما ترانزیت می‌شد و می‌شود یا در کشور ما مصرف می‌شد و می‌شود. پس می‌بینیم قضیه مواد مخدر و پول‌های مواد مخدر، علاوه بر جنبه اقتصادی، جنبه سیاسی هم دارد. از این رو مواد مخدر و قاچاق آن، در آمدهایی ایجاد می‌کند. که نامشروع و غیر قانونی است.

۱- در قانون اساسی ما، در اصل ۴۷ اشاره شده است به اینکه درآمدهای حاصل از کار مشروع یا شرعاً حلال، محترم است و حمایت می شود. اما بلافاصله در اصل ۴۹ اشاره شده است که کسب اموال نامشروع از طرق ربا، قمار بازی و غیره قابل ضبط است و در اجرایش قانونی باید تصویب بشود.

بعضی که من از عنوان همایش برای شما انتخاب کرده ام، «تطهیر درآمدهای ناشی از قاچاق یا اصطلاحاً شستشوی سرمایه ها و درآمدهای کثیف» است. این بحث برای نخستین بار در سالهای ۱۹۸۰ میلادی در سطح بین المللی مورد توجه قرار گرفت؛ زیرا درآمدهای مربوط به قاچاق مواد مخدر و پولهایی از طرق مختلف وارد کانال های بانکی و اقتصاد ملی و بین المللی می شد؛ این درآمدها در سالهای ۱۹۸۰، رقمی بالغ بر ۸۵ میلیارد دلار تخمین زده می شد.

این رقم در سال ۱۹۹۴، ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده و بالاخره در سال ۱۹۹۵ سازمان ملل متحد، پول های ناشی از قاچاق مواد مخدر را که غیر قانونی و نامشروع وارد کانال های بانکی و مؤسسات دولتی و بین المللی شده است را بالغ بر بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار تخمین زده بودند. فرض کنید در آمد نفت در کشور ما سالی ۲۰ میلیارد دلار باشد، ۳۰۰ میلیارد دلار، شامل ۱۵ سال در آمد ما از نفت است، بنابراین ملاحظه می کنیم این پول در عرض یک سال به دست می آید و از همان طرف، از این پول بلافاصله با معاونت یا مشارکت عوامل دولتی، عوامل بین المللی در سطح بانک ها، در سطح پلیس، در سطح وزارتخانه ها، مثلاً وزارت اقتصاد، با پول های مشروع و حلال مخلوط و سرمایه گذاری می شود. بدین سان، که برای تطهیر و یا مخدوش کردن منشأ مجرمانه و کثیف پول های ناشی از مواد مخدر، یک سلسله جرایم دیگر نیز باید ارتکاب پیدا کند.

به عنوان مثال: ارتشا، اعمال نفوذ، برای اینکه کارمند بانک یا کارمند فلان اداره، آمادگی اش را اعلام کند تا قاچاقچی یا شخص دیگری این پول را وارد بانک

نماید، یا جعل و جرایمی از این قبیل. بنابراین بحث جرم تطهیر به تنهایی مورد توجه نیست؛ بلکه جرایم جنبی که به مناسبت ارتکاب می یابد به اندازه خود جرم خطرناک و زیان آور است.

اما در سطح بین المللی، نخستین سندی که جرم تطهیر را رسماً پیش بینی کرد، کنوانسیون سازمان ملل متحد ۱۹۸۸ علیه مواد مخدر و مواد روان گردان است.^۱ در ماده ۳ این کنوانسیون، تطهیر یا جرم پول شویی اموال یا سرمایه های ناشی از مواد مخدر رسماً جرم انگاری شده است. بد نیست همین جا اشاره کنم که جرم تطهیر که معادل انگلیسی آن «مانی لاندینگ»^{*} است، برای نخستین بار در اسناد سازمان ملل متحد جرم تلقی شد و سپس با توجه به این سند بین المللی، دولتهای عضو سازمان ملل این جرم را در قوانین داخلی پیش بینی کردند. لذا یکی از مواردی که جرم انگاری یا ایجاد جرم در قوانین داخلی تحت تأثیر اسناد بین المللی و تعهدات بین المللی دولت ها در مجالس مقتنّه کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته، همین جرم تطهیر است و از این منظر این بحث ها جنبه بین المللی به خود می گیرد. سند دومی که در سطح بین المللی جرم تطهیر را پیش بینی کرده، کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه بزهکاری سازمان یافته معروف به «کنوانسیون پالمو» است که در نوامبر ۲۰۰۰ به تصویب رسید.^۲ در ماده هفت این کنوانسیون جرم تطهیر تعریف شده که جرم تطهیر را می توانیم تا اندازه ای مقایسه کنیم با جرم خرید و فروش و اختفای اموال مسروق. بنابراین سرقت و خرید و فروش اموال مسروقه تا اندازه ای قابل مقایسه هستند با قاچاق مواد مخدر و تطهیر سرمایه های ناشی از مواد مخدر. همانطور که استحضار دارید در سرقت های حرفه ای، در

۱-رک. رحمدل (منصور) مطالعه تطبیقی سیاسی جنایی ایران و انگلستان و ولز در قلمرو قاچاق مواد مخدر. پایان نامه دکترا، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۲

*-Money landering

۲-رک. سلیمی (صادق)، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا، ۱۳۸۲.

واقع سارق، از مال خرها و خریداران اموال مسروقه سفارش دریافت می کند و سپس با توجه به آن سفارش غیر قانونی، سیبل ها و آماج های سرقت را انتخاب می کند. فلان فرش، فلان خودرو، فلان رادیو، فلان ضبط و بنابراین در این قیاس سرقت ها از نظر جرم شناسی چنانچه ما با خریداران اموال مسروقه برخورد بکنیم می توانیم جلوی آن سرقت ها را که علی الاصول سفارشی و حرفه ای هستند را تا اندازه ای بگیریم.

اما در جرم خرید و فروش اموال مسروقه که یک جرم مستقل از سرقت است همانطوری که می دانید معمولاً خریدار اموال مسروقه - مال خر اصطلاحاً - این مال را برای خودشان به قیمت ارزان می خرند که بعد به قیمت گرانتر بتوانند بفروشند و استفاده کنند. حالا تکلیف قاچاق و تطهیر چیست؟ این دو جرم نیز به طور مستقل قابل تصور هستند؛ یعنی کسی که مرتکب قاچاق می شود خود لزوماً در آمد و سرمایه ناشی از قاچاق را تطهیر نمی کند و لباس قانونی به آن نمی پوشاند؛ بلکه شخص دومی به او کمک می کند تا منشأ مجرمانه و کثیف این پول مخدوش شود. این شخص ممکن است کارمند بانک باشد یا یک دوست و آشنای او باشد که با گرفتن پولهای مربوط به عنوان فلان محموله و حمل این پولها در یک چمدان دیپلماتیک از کشور خارج شود و پولها برود به بهشت های مالیاتی؛ ولی نهایت این پول ها با کمک یک شخص دومی که علم دارد منشأ این پول مجرمانه و کثیف است لباس قانونی و مشروع به خود می گیرد. پس در جرم تطهیر، ملاحظه می کنیم که بین قاچاقچی و کسی که این پول را تطهیر می کند، یک رابطه وجود دارد. تطهیر کننده در خدمت قاچاقچی است و حال اینکه در مقام مقایسه، در خرید و فروش اموال مسروقه، مال خر وقتی مال را خرید رابطه اش با سارق تمام می شود؛ ولی در جرم تطهیر، تطهیر کننده، بانک منتقل الیه یا انتقال دهنده، این پول را در نهایت برای قاچاقچی حفظ می کند و به حساب او بر می گرداند. در نهایت قاچاقچی این پول

را به صورت رسمی و قانونی به شکل رستوران، هتل، بیمارستان و خیریه بازیافت می کند. تعریفی که سازمان ملل از جرم تطهیر کرده دو شق مهم و قابل توجه دارد:

۱- تبدیل یا انتقال مالی که انتقال دهنده عالم به منشأ و خاستگاه کثیف و مجرمانه آن است، با این هدف که این منشأ را پنهان کند یا تغییر دهد یا با انتقال و تغییر این پول نا مشروع به مباشر جرم اصلی، مثلاً قاچاقچی که این پول را به دست آورده، کمک کند. تطهیر می تواند شامل اختفا، تغییر دادن ماهیت، منشأ، محل و حقوق مالی باشد که ریشه در جرم مثلاً قاچاق یا ارتشاء دارد. بنابراین، آن انتقال دهنده یا تطهیر کننده باید عالم باشد که این پول ناشی از قاچاق است و آگاه باشد که این پول می خواهد در جهت مشروع شدن و مخدوش شدن این منشأ سرمایه گذاری شود.

از طرف دیگر، جرم تطهیر ممکن است شامل تملک، نگهداری و استفاده از مالی باشد که در زمان دریافت و تملک آن مال، آگاهی نسبت به مجرمانه و کثیف بودن منشأ این مال وجود داشته باشد. این عنصر علم و آگاهی، عالم بودن نسبت به این منشأ مجرمانه، مهم است و بالاخره شق چهارم که به عنوان تطهیر، عبارت است از مشارکت یا تبانی برای شروع به ارتکاب جرم تطهیر که در واقع هدفش راهمناهی، ارائه مشورت، ارائه کمک مادی و شروع به ایجاد تسهیلات برای مخدوش کردن منشأ مجرمانه آن پول است.

پس اگر بخواهیم با جرم قاچاق مواد مخدر به معنای کلان، نه در حد خرده فروشی، مبارزه مؤثر کنیم، یکی از راههای مؤثر آن، ایجاد جرمی در قانون است به نام "جرم پول شویی یا جرم تطهیر در آمدهای ناشی از قاچاق مواد مخدر". زیرا اگر ما از این زوایه وارد شویم، می توانیم تعداد قاچاقچیان یا داوطلبان قاچاق مواد مخدر را کم کنیم، همانطور که در باب خرید و فروش اموال مسروقه با مال خردهای حرفه ای، هر گاه بر خورد شدید بشود، سرقت های حرفه ای تا اندازه ای کاهش

پیدا می کند. در باب قاچاق مواد مخدر نیز چنانچه با تطهیر کنندگان حرفه ای، با بانکها، یا مؤسسات اعتباری، و مراکزی که در مخدوش کردن این جنبه مجرمانه پول کثیف به قاچاقچی کمک می کنند، برخورد کنیم قطعا تعداد قاچاقچیان کاهش پیدا می کند؛ زیرا جرم قاچاق مثل جرم اعتیاد یا جرایم دیگر مختص به یک عامل نیست. ولی در باب قاچاق مواد به جرأت گفته شده است، که اگر در باب تطهیر سرمایه های ناشی از مواد مخدر واقعا برخورد جدی بشود و عوامل دولتی، انتظامی، قضایی و امنیتی فاسد نباشند و تطمیع نشوند و با تطهیر کنندگان مبارزه جدی بکنند از تعداد داوطلبان جرم قاچاق روی هم رفته کاسته می شود.

اینک سخنان خود را در دو قسمت ادامه می دهم:

۲- ابتدا راجع به مظاهر برخورد و مبارزه با درآمدهای نامشروع در حقوق فعلی ایران صحبت می کنم و سپس در بخش دوم به صورت مختصر نکاتی را راجع به لایحه پول شویی یعنی، لایحه مبارزه با تطهیر درآمدهای ناشی از جرم در ایران، صحبت خواهم کرد که اخیرا به مجلس تقدیم شده و به زودی بحث راجع به آن شروع می شود.

۲-۱: ابتدا مظاهر مبارزه قانونی، کیفری، در حقوق ایران علیه اموال نامشروع: نخستین جلوه برخورد قانونی با اموال نامشروع در قالب و به وسیله اصل ۴۹ قانون اساسی است. همانطوری که گفته شد در قانون اساسی در اصول ۴۶ و ۴۷ به ترتیب صحبت از کسب و کار مشروع و قانونی شده و کسب و کار مشروع که حق هر کس است محترم شمرده شده است و سپس در اصل ۴۷ اشاره شده به تضمین مالکیت شخصی که از راه مشروع حاصل شده است. اما بلافاصله در اصل ۴۹، سخن از ثروتهای باد آورده و یا ثروتهای نامشروع شده است. خلاصه اصل ۴۹ این است که « دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مغلظه کاریها و معاملات دولتی و

فروش زمین های موات و دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت شناخته نشدن صاحبش به بیت المال بدهد.» این اصل که در سال ۱۳۵۸ در قانون اساسی پیش بینی شد، ناظر به کارمندان، وزراء، مدیران عالی رتبه نظام پهلوی بود. این اصل ناظر است به ثروتهایی که وزراء، نمایندگان مجلس، مقاطعه کاران سابق و عوامل مهم دولتی و سرمایه داران دولتی، قبل از انقلاب کسب کرده بودند و بنابر قانونی که بعداً در سال ۱۳۶۳ برای اجرای این اصل تصویب شد، بایستی ضبط و مصادره و یا به صاحبشان رد می شدند. این اصل در واقع در مقام مبارزه با اموال نامشروع است ولی اشاره ای به جرم تطهیر ندارد. فقط غرض آن این است که اموال نامشروع را از صاحبان غیر مستحق بگیری و به نفع دولت ضبط کند یا به صاحبش برگرداند. اما در قانونی که در ۱۷ مرداد ۱۳۶۳ برای اجرای اصل ۴۹ تصویب شد، ماده ۱۴ آن می تواند ما را تا اندازه ای به جرم تطهیر نزدیک کند.

در این ماده ذکر شده است که هر گونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات، باطل و بلا اثر است. بنابراین یک وزیر سابق به عنوان مثال، اگر اموالی را که داده به بچه های خود و یا به دیگری انتقال داده، این اقدام او برای فرار از اصل ۴۹ تلقی خواهد شد و ماده بلافاصله ادامه داده است که انتقال گیرنده؛ یعنی فرزندان آن وزیر، در صورت مطلع بودن و علم به اینکه این اموال نامشروع است، و نیز انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد. بدین ترتیب، این عمل را قانونگذار در حکم کلاهبرداری تلقی کرده و مجازات کلاهبرداری را برای آن پیش بینی کرده است، بدون اینکه صحبت از جرم تطهیر کرده باشد. به نظر می رسد که ماده ۱۵ قانون ۱۷ مرداد ۱۳۶۳ می تواند از نخستین جلوه های جرم انگاری عمل تطهیر در حقوق ایران باشد.

مثال دوم را می توان در آیین نامه دادگاهها و دادرسیهای انقلاب مصوب ۵۸/۳/۲۷ جستجو کرد. یکی از مواردی که در صلاحیت ذاتی دادگاههای انقلاب قرار می گیرد، جرایم مواد مخدر است؛ بدین ترتیب قانونگذار برخورد با جرایم مواد مخدر را موضوع یک سیاست متفاوت نسبت به مبارزه با سایر جرایم دانسته است: صلاحیت رسیدگی به این جرائم را از دادگاه عمومی خارج کرده و به دادگاه انقلاب داده است. چون دادگاه انقلاب، یک مرجع «قضایی انقلابی» تلقی می شود و اصولاً فرض بر این است که برخوردشان «انقلابی» یعنی همراه با شداد و غلاظ فراوان است. بنابراین آیین نامه مزبور در سال ۱۳۵۸ در ماده ۲۸ خود، نکته ای را متذکر شده است که باز می تواند از نخستین جلوه های جرم انگاری تطهیر در حقوق ایران باشد. ماده ۲۸ مقرر می دارد: «در صورتی که باز پرس احراز کند - ما تا سال ۱۳۷۳ خورشیدی دادستان، دادرسی، قاضی تحقیق و باز پرس داشتیم - که متهم، اموالی را که از راههای نامشروع تحصیل نموده است به همسر یا به صورت صوری یا تبانی به اشخاص حقیقی یا حقوقی انتقال داده است، یا به فرزندان خود یا به شخص دیگری و گذار کرده یا به صورت صوری یا تبانی به اشخاص حقیقی یا حقوقی انتقال داده است دستور توقیف آنها را خواهد داد. در این مواد اگر برای مثال آقای الف اموال خود را به فرزندش منتقل کرده و این مال نامشروع باشد، در هر حال، صرفنظر از اینکه فرزند علم داشته باشد یا نه، ضبط می شود؛ ولی این فرزند مجرم نیست؛ آقای الف هم مجرم نیست؛ مال وی در این جا ضبط خواهد شد. این ماده نسبت به ماده ۱۵ قانون ۱۳۶۳ یک مقدار از نظر جرم تطهیر کم رنگتر است.

اما در این فاصله دولت ایران به کنوانسیون وین ۱۹۸۸ علیه مواد مخدر و روان گردان ملحق شد، یعنی این کنوانسیون در قالب ماده واحده به تصویب مجلس رسید. در ماده ۳ این کنوانسیون که جزء تعهدات بین المللی دولت ایران محسوب می شود، به دولت های عضو، مثل ایران تأکید شده است که در

قوانین خود علاوه بر جرم انگاری قاچاق مواد مخدر، علاوه بر جرم انگاری خرید و فروش مواد مخدر و مواد روان گردان، جرمی را تحت عنوان جرم پول شویی و یا جرم تطهیر در آمدهای نامشروع قاچاق مواد مخدر پیش بینی کنند. بنابراین دولت ایران و به تبع آن مجلس با توجه به تعهد بین المللی دولت در قالب کنوانسیون ۸۸، مکلف شده اند که چنین جرمی را در قانون کیفری ایران پیش بینی کنند. اما قانونگذار ایران در باب مواد مخدر، تاکنون مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است. در سال ۱۳۷۶ مصوبه (قانون) جدیدی را تصویب کرد به نام قانون مبارزه با مواد مخدر، لیکن در این قانون جدید جرمی به نام تطهیر اموال ناشی از قاچاق پیش بینی نکرد، حال آنکه بین زمانی که ایران این کنوانسیون را تصویب کرد و زمانی که مجمع تشخیص مصلحت قانون جدید را به تصویب رساند حدود ۷ سال می گذشت. سؤالی که در ذهن همه مطرح می شود این است که چرا ایران و مجمع تشخیص مصلحت در این شش یا هفت سال، این تعهد بین المللی خودش را که جرم انگاری تطهیر در آمدهای نامشروع مواد مخدر باشد، نادیده گرفته و انجام نداده است؟ از سوی دیگر متعاقب این کنوانسیون در دسامبر سال ۲۰۰۰ حدود دی ماه ۱۳۷۹ خورشیدی، سازمان ملل، کنوانسیون جدیدی را مجدداً تصویب کرد به نام کنوانسیون پالرمو یا کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان یافته فراملی. این کنوانسیون در واقع، در یک جمله، با سازمان یافته شدن و بین المللی شدن جرائم مبارزه می کند و یکی از جرائم که در این کنوانسیون به عنوان جرم سازمان یافته فراملی تلقی شده است، جرم تطهیر می باشد. در ماده ۶ این کنوانسیون به دولت های عضو تأکید شده است که جرم تطهیر را در قبال جرایم سازمان یافته هم پیش بینی نکنند. در کنوانسیون پالرمو در دسامبر ۲۰۰۰، بر خلاف کنوانسیون سال ۱۹۸۸ جرم تطهیر، ناظر است به تبدیل و انتقال، به منظور مخدوش کردن منشأ مجرمانه اموال و سرمایه های حاصل از کلیه جرایم. بدین سان، کنوانسیون پالرمو صرفاً به تطهیر درآمدهای

ناشی از مواد مخدر توجه ندارد؛ بلکه تطهیر عام مد نظر آن است. حال آن که در کنوانسیون ۱۹۸۸، مراد تطهیر خاص بود. زیرا مثلاً پول ناشی از تطهیر درآمدهای ناشی از اختلاس، ارتشا، قاچاق انسان، قاچاق اسلحه، جرایمی هستند که ثروت زیادی را برای بزهکاران و مرتکبان آن ها ایجاد می کند و بنابراین تطهیر در این جا ناظر به همه این موارد است.

اخیراً با توجه به تعهدات بین المللی ایران از یک سو، و از سوی دیگر با توجه به اینکه کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی، مشهور به کشورهای اکو که ایران، یکی از بنیانگذاران آن است و شامل ۱۰ کشور مثل ترکیه، پاکستان، افغانستان و کشورهای حاشیه دریای خزر می شود که، در چارچوب همکاری با سازمان ملل متحد در مقام مبارزه با قاچاق مواد مخدر و جرم تطهیر در منطقه اکو بر آمدند، و از همه مهمتر، با توجه به اینکه ترکیه، پاکستان و قزاقستان هم چنین جرمی را در حقوق خود پیش بینی کرده اند ستاد مبارزه با مواد مخدر سرانجام با همکاری چند تن از حقوقدانان و اقتصاددانان کشور در سال گذشته لایحه ای را به نام «لایحه مبارزه با پول شویی» تهیه کردند که هم اکنون در مجلس در دست مطالعه است^۱ و در همایش پول شویی اوایل خرداد ماه ۱۳۸۲ در شیراز، مورد بررسی قرار گرفت.

۲-۲- اما در مورد تحلیل لایحه پول شویی باید گفت: این لایحه حدود دو سه ماهی است که به مجلس تقدیم شده است^۲. که در واقع در صورت تصویب نخستین قانون در خصوص تطهیر جرم تطهیر محسوب می شود.

۱-رک. سلیمی، صادق. تطهیر پول در اسناد بین المللی و لایحه پول شویی. مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی. شماره ۶، زمستان ۱۳۸۱.

۲-زمان سخنرانی اردیبهشت ۱۳۸۱ می باشد.

این لایحه ۳۰ ماده دارد. آورده و ابتکار این لایحه نهادی است به نام «شورای عالی مبارزه با پول شویی» مانند ستاد مبارزه با مواد مخدر، شورای عالی انقلاب فرهنگی و ...

این شورا در واقع نهادی است زیر نظر ریاست جمهوری و رئیس این نهاد، در صورت تصویب مجلس یکی از معاونین رئیس جمهور خواهد بود.

اعضای این شورا متشکل است از وزیر اقتصاد و دارایی، وزیر بازرگانی، وزیر امور خارجه، وزیر اطلاعات، دادستان کل کشور، رئیس بانک مرکزی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دادستان دیوان محاسبات کشور و بالاخره رئیس نیروی انتظامی.

در کنار این شورای عالی مبارزه با پول شویی دو اداره کل باید تاسیس شود. اداره امنیتی ویژه موارد مالی و تطهیر که در واقع یک نوع سرویس اطلاعاتی خاص در خصوص پول های نامشروع است.

و دوم: اداره انتظامی ویژه مسائل مالی و تطهیر درآمدهای نامشروع است. در این لایحه چند نکته دیگر قابل توجه است: پول های نامشروع به ۳ نوع تقسیم شده اند.

پول خاکستری، پول سیاه و پول کثیف.

۱- پول خاکستری شامل وجوهاتی می شود که از رانت خواری و از معاملات کالا و خدماتی که برای فرار از پرداخت مالیات انجام می شود و درآمدهایی که ناشی است از انحصارگری.

۲- پول سیاه اطلاق می شود به وجوهاتی که از قاچاق کالا به طور کلی، احتکار کالا (کالایی) که در واقع در بازار پر مصرف هستند و ارتشاء.

۳- پول کثیف یا پول آغشته به خون: شامل پول هایی هستند که از ارتکاب مواد مخدر به دست می آیند بنابراین پول آغشته به خون به همان سوداگری مرگ گفته می شود که با قاچاق مواد مخدر اعتبار را هم فراهم می کنند.

در این لایحه سازمان ها و نهادهای چند مکلف شده اند که در صورت رؤیت مبالغ یا معاملات مشکوک بلافاصله مورد را به شورای عالی مبارزه با پول شویی اطلاع دهند. لذا شورا در اینجا در حکم یک ضابط است که با کسب اطلاع از معاملات مشکوک و نقل و انتقالات کلان پول در بانک ها می تواند مورد را به دادستان اعلام کند و او تعقیب را آغاز کند.

لذا شورای عالی مبارزه با پول شویی با مساعدت دو نهادی که در اختیار دارد، می تواند در شناسایی موارد مشکوک به دستگاه قضایی به عنوان یک ضابط خاص کمک کند. نهادهایی که به موجب این قانون مکلف به همکاری با شورا هستند در ماده ۱۷ این لایحه آمده است:

اشخاص، مؤسسات و سازمان های ذیل مشمول این قانون محسوب و ملزم به رعایت این قانون هستند:

بانک ها، مؤسسات مالی خصوصی، صندوق های قرض الحسنه، مؤسسات اعتباری، وام دهندگان پول، شرکت های مالی و شرکت های کارگزاری، سازمان های اوراق بهادار، واسطه های بورس اوراق قیمتی، جواهر فروشان، فروشندگان سنگ ها و فلزات قیمتی، مشاورین املاک و بنگاه ها، نمایشگاه دارها، لنج داران، فروشندگان عتیقه، دفاتر اسناد رسمی.

از جمله نهادهای دیگری که مکلف به همکاری با شورای عالی پول شویی است گمرک می باشد. که یکی از واحدهای تابع وزارت صناد است. چون مامورین ارزیابی گمرک شاهد و ناظر جابجایی اموال و کالا های مختلفی هستند و می توانند به موقع برخی اموال مشکوک یا پول ها را شناسایی کنند.

در ماده ۱۸ کلیه نهادهایی که در ماده ۱۷ مکلف به همکاری با شورای عالی پول شویی شده اند همزمان مکلفند که هرگونه نقل و انتقال پولی یا هرگونه معامله ای که مبلغش از ۵۰۰ میلیون تومان بالاتر است را بلافاصله به شورای عالی مبارزه با پول شویی گزارش نمایند. صرفنظر از اینکه مشکوک بودنشان برای آن نهادها احراز بشود یا خیر. کلیه معاملات باید این چنین به شورا ابلاغ شود.

ماده ۱۸: مضمولین این قانون مکلفند هرگونه خرید و فروش را از هر نوع که باشد مانند صدور چک، نگهداری، واگذاری، تبدیل، اجاره، صلح، هبه، اعطای وام، انتقال مطالبات و غیره که ارزش آن ها بیش از ۵۰۰ میلیون تومان یا معادل ارز خارجی باشد را به شورا ابلاغ کنند.

در آمریکا کلیه مؤسسات مالی و اعتباری از سال ۱۹۸۸ میلادی مکلف هستند کلیه معاملات یا پول یا حواله هایی را که بالای ده هزار دلار می باشد را بلافاصله به بانک مرکزی و پلیس مربوط اعلام کنند.

در ماده ۲۳ این لایحه به معاملات مشکوک اشاره شده است. یعنی علاوه بر ابلاغ معاملات بالای ۵۰۰ میلیون تومان به شورای عالی چنانچه در سایر موارد زیر ۵۰۰ میلیون تومان موارد مشکوکی را دیدند باید آن ها را نیز به شورای عالی اعلام نمایند که به برخی موارد اشاره می کنم.

- مواردی که رفتار مشتری نشان می دهد که مایل به ارایه اطلاعات یا اسنادی که عرفاً در زمان انجام این گونه معاملات معمول است، نیست.

- در مواردی که موانعی در رابطه با بدست آوردن اطلاعاتی پیرامون هویت وجود داشته باشد.

- در مواردی که اطلاعات ناکافی یا کذب باشد.

- در مواردی که ظن بر ارئه اسناد جعلی باشد.

اینها مواردی است که از آن‌ها اصطلاحاً تحت عنوان معاملات مشکوک یاد شده است.

نتیجه گیری

در این خصوص می‌توان گفت که جرم قاچاق و جرم تطهیر دو جرم مرتبط با هم ولی در عین حال مستقل هستند.

قاچاقچی و تطهیر کننده دو شخص هستند. ضبط اموال قاچاقچی حتی اگر نزد فرزندان یا اشخاص ثالث باشد جرم تطهیر محسوب نمی‌شود بلکه یک نوع مجازات است.

حال آنکه در جرم تطهیر شخص ثالثی که به قاچاقچی کمک می‌کند اعم از بانک یا دوستش و غیره او هم مجرم است و بابت عملش مستحق یک مجازات است. و علاوه بر آن پول تطهیر شده هم ضبط می‌شود. بنابراین به نظر ما قانونگذار ایران شاید در بین سایر کشورهای ذینفع در خصوص مواد مخدر، آخرین کشوری است که جرم تطهیر را پیش بینی می‌کند، لذا باید تا حدودی در این روند تسریع ایجاد کند. چرا که در کشور ما هم مواردی از تطهیر ولو در مبالغ کم وجود دارد و دیده شده است. که البته به صورت پنهان و نامرئی است به گونه‌ای که مسوولین مربوطه، قضات و ضابطین و نیروهای امنیتی به پیچیدگی این جرم اشراف و آگاهی کامل ندارند و این از جمله جرایمی است که می‌تواند اقتصاد و تحرک پول‌های مشروع را فلج کند.